**متن کلاغ روسیاه**

تو دل یه مزرعه یه کلاغی رو سیاه

هوایی شده بره پابوس امام رضا

اما هی فک میکنه اونجا جای کفتراس

آخه من کجا برم یه کلاغ که روسیاس

من که توی سیاهیا از همه روسیاترم

میون اون کبوترا با چه رویی بپرم

تو همین فکرا بودش کلاغه عاشقمون

یه دلش میگفت برو یه دلش میگفت بمون

که یهو صدایی گفت تو نترس و راهی شو

به سیاهی فک نکن تو یه زائری برو

من که توی سیاهیا از همه روسیاترم

میون اون کبوترا با چه رویی بپرم